

بہانہ خدا

چگونه یک
شاہکار ادبی
بنویسیم؟

آموزش
داستان نویسی خلاق

ہوپا
Hoopa

چگونه یک شاهکار ادبی بنویسیم؟

آموزش داستان نویسی خلاق

نویسندگان: الدرید یوهانسین

و استفین سوروم

تصویرگر: اینگرید دوس سانتوس

مترجم: منیره آزادی



SKRIV GENIALT!

© 2016, H. Aschehoug & Co. (W. Nygaard) AS
Persian Translation © Houpa Publication, 2019

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب
قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)
امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر
دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسندگان کتاب، **الدردید یوهانسن و استفن سوروم**، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسندگان، یعنی صاحبان واقعی کتاب را پرداخت کرده است.
اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت **الدردید یوهانسن و استفن سوروم** این کار را کرده است.



"This translation has been published
with the financial support of NORLA"

بخشی از هزینه‌ی نشر این کتاب بر عهده‌ی مؤسسه‌ی «نورلا» بوده
است، مؤسسه‌ای جهت حمایت از آثار ادبی نویسندگان نروژی.

سرشناسه: یوهانسن، الدردید
Johansen, Eldrid

عنوان و نام پدیدآور: چگونه یک شاهکار ادبی بنویسیم؟ (آموزش داستان‌نویسی خلاق) / نویسندگان الدردید یوهانسن،
استفن سوروم؛ تصویرگر اینگرید دوس سانتوس؛ مترجم منیژه آزادی.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۳۵-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فینیا

یادداشت: عنوان اصلی:

Skriv genialt! den fullstendig rå skriveboka for kommende sjerneforfattere, 2016.

موضوع: داستان‌نویسی -- ادبیات کودکان و نوجوانان

Fiction -- Authorship -- Juvenile literature

موضوع: داستان‌نویسی برای کودکان

موضوع: Children's stories -- Technique

شناسه افزوده: سوروم، استفن آر. ام، ۱۹۷۶ - م.

شناسه افزوده: Sørum, Steffen R. M., 1976-

شناسه افزوده: سانتوس، اینگرید دوس، تصویرگر

شناسه افزوده: Santos, Ingrid dos

شناسه افزوده: آزادی، منیژه، مترجم

رده بندی کنگره: PN۳۳۷۷

رده بندی دیویی: ۸۰۸/۰۶۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۱۳۰۱۰

چگونه یک شاهکار ادبی بنویسیم؟

آموزش داستان‌نویسی خلاق

نویسندگان: **الدردید یوهانسن و استفن سوروم**

تصویرگر: **اینگرید دوس سانتوس**

مترجم: **منیژه آزادی**

ویراستار: **شایسته ابراهیمی**

مدیر هنری: **فرشاد رستمی**

طراح گرافیک: **فریبا دولت‌آبادی**

ناظر چاپ: **سینا برازوان**

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: **واژه پرداز اندیشه**

چاپ اول: **۱۳۹۸**

تیراژ: **۱۰۰۰ نسخه**

قیمت: **۳۵۰۰۰ تومان**

شابک، ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۱۳۵-۹



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱.

واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

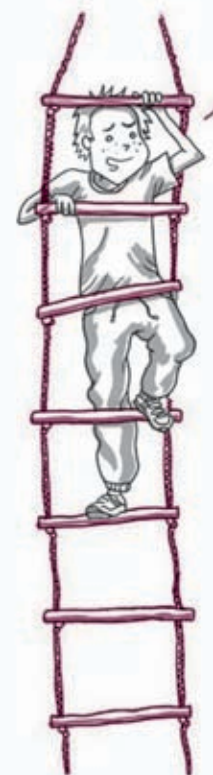
www.hoopa.ir

info@hoopa.ir

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب

بخش‌هایی از آن، مجاز است.





«اگر می‌خواهی نویسنده شوی، هتماً یک دیوانه‌ی
تمام‌عیاری!»

یان شرشتاد^۱

۱. Jan Kjærstad (1953)؛ نویسنده‌ی نروژی.

فهرست

۱۲۱ مشق‌هایی برای بهترشدن 
۱۲۲ هیجان، درگیری و چالش
۱۳۸ مانند دوربین فیلم‌برداری عمل کن
۱۴۴ ناگفته‌ها و شرح تصاویر
۱۴۷ گفت‌وگو (دیالوگ)
۱۴۸ تمرین 
۱۴۹ پایان

بخش چهارم: چگونه یک اثر شاهکار را ویرایش کنیم؟

۱۵۱ کاربردی‌بودن طرح را بررسی کن!
۱۵۲ پاک کن! پاک کن و دوباره بنویس
۱۵۳ تصاویر زبانی
۱۶۲ سبک
۱۶۳ با صدای بلند بخوان!
۱۶۴ اغلب بهترین‌ها ممکن است بدترین باشند
۱۶۵ اشکالات منطقی
۱۶۹ از بهترین‌ها یاد بگیر!
۱۷۰ درست و صحیح بنویس!

بخش پنجم: آخرین کلام شاهکار بنویس




۱۷۷ قوانین را بشکن!
	پاداش: چگونه تکالیف مدرسه را شاهکارانه بنویسیم؟
۱۹۰ فهرستی کامل برای داستان شاهکار تو

۱۲ ما که این کتاب را نوشته‌ایم، چه کسانی هستیم؟
۱۵ این کتاب، چه نوع کتابی است؟

بخش اول: پیش از اینکه یک نویسنده‌ی درجه‌یک شوی ...

۲۱ انسان نخستین، اولین نویسنده‌ی دنیا
۲۵ دروغ و باورپذیری

بخش دوم: عناصر یک داستان شاهکار

۳۴ ایده
۴۰ پژوهش
۴۸ پیرنگ (طرح)
۵۷ تمرین 
۵۷ شخصیت‌ها
۷۱ تمرین شخصیت‌پردازی 
۷۲ نظرگاه و زاویه‌ی دید
۷۷ مکان
۸۲ نظم و ترتیب
۸۴ تمرین‌های مکان 

بخش سوم: چگونه داستانی شاهکار بنویسیم؟

۱۰۰ بسته‌ی کمک‌های اولیه برای وقت‌هایی که ...
۱۱۰ تعیین هدف
۱۱۲ آغاز

«آن‌گاه که کشف کردم نوشتن چقدر لذت‌بخش است،
دیگر هیچ چیز توانِ بازداشتنم را نداشت!»
آسترید لیندگرن^۱

۱. Astrid Lindgren (1907-2002): نویسنده‌ی کودک و نوجوان مشهور سوئدی که از آثار معروف او می‌توان به پی‌پی‌جوراب‌بلند، برادران شیردل و کارلسون پشت‌بومی اشاره کرد. م.

ما که این کتاب را نوشته‌ایم، چه کسانی هستیم؟



استفن سوروم^۱ نویسنده و ویراستار است؛ ویراستار کسی است که کتاب‌های نویسنده‌ها را قبل از چاپ شدن می‌خواند و به آن‌ها کمک می‌کند که متن‌هایشان را بهتر کنند؛ استفن هم تا به حال به صدها نویسنده کمک کرده است،

حتی چند نفر از این نویسنده‌ها جایزه‌های مختلفی دریافت کرده‌اند و آثارشان به زبان‌های گوناگون ترجمه شده است. استفن برای همه‌ی گروه‌های سنی، از کودکان و نوجوانان گرفته تا بزرگسالان، می‌نویسد و بعضی از کتاب‌هایش هم خیلی پُرفروش شده‌اند! او عاشق داستان است، یک عاشق سینه‌چاک.

خانم الدرید یوهانسن^۲ در زمینه‌های نویسندگی ادبیات کودک و نوجوان، خوانندگی و هنرپیشگی فعالیت دارد. در رشته‌ی مصرشناسی تحصیل کرده و خط هیروگلیف^۳ را بلد است. او عاشق آوازخواندن است. الدرید بیشتر وقت‌ها به مدارس می‌رود و داستان‌های کتاب‌هایش را نمایش می‌دهد. وقتی الدرید نمایش اجرا می‌کند، همه‌ی دانش‌آموزان و حتی معلم‌های زبان نروژی یادداشت‌برداری می‌کنند. استفن و الدرید با هم زندگی می‌کنند.



اگر استفن و الدرید در دوازده‌سالگی همدیگر را دیده بودند، بی‌شک آن قدرها از هم خوششان نمی‌آمد؛ الدرید شاگرد ممتاز بود و استفن تنبل و بی‌خیال. استفن عاشق اسکیت‌سواری بود و کم پیش می‌آمد مشق‌های مدرسه‌اش را بنویسد، چون بازی‌کردن برایش بسیار جذاب‌تر از درس خواندن بود، البته در کنار آن به ستاره‌شناسی و فضانوردی هم علاقه داشت (حتی می‌توانست راکت مخصوص درست کند). استفن بیشتر دوست داشت که به جای تمرین و یادگیری و حفظ کردن کلمه‌های ناشناخته، وقتش را با رؤیاپردازی درباره‌ی دزدان فضایی و جنگ‌های صلیبی پُر کند. او گاهی شب‌ها، برای ماجراجویی، پنهانی از خانه بیرون می‌رفت و هیچ‌وقت هم خرت‌وپرت‌های داخل کوله‌پشتی مدرسه‌اش را جمع‌وجور نمی‌کرد.

الدرید هیچ‌وقت چیزی را فراموش نمی‌کرد، نه کتاب‌های مدرسه، نه روز تولد مادر بزرگ و نه قرارهای ملاقاتش را؛ سربه‌زیر و سخت‌کوش بود؛ هرگز سر قرارهایش دیر نمی‌رسید؛ در کلاس درس هیچ‌وقت بی‌مزه‌بازی در نمی‌آورد؛ مشق‌هایش را همیشه به‌موقع تحویل می‌داد و قبل از هر امتحانی، درسش را خیلی خوب بلد بود. او در گروه کُر آواز می‌خواند و دوست داشت هندبال بازی کند. بافندگی، چای خوردن و معاشرت با دوستانش هم از دیگر علاقه‌های او بود. الدرید آن قدر بچه‌ی سربه‌راهی بود که حتی می‌توانست از باغچه‌ی همسایه سیب بدزدد یا با پسری حرف بزند.



اینگرید دوس سانتوس^۱ طراح، گرافیست و تصویرگر است. او در زمینه‌ی انیمیشن هم فعالیت دارد و تصویرسازی‌هایش را در وبلاگش هم منتشر می‌کند. اینگرید در کودکی دوست داشت با عروسک‌های باری بازی کند، نقاشی بکشد، اسکیت‌سواری کند

1. Ingrid Dos Santos (1973).

1. Steffen R.M. Sørnum (1976).

2. Eldrid Johansen (1973).

۳. Hieroglyph؛ خطی است که مصری‌ها حدود سه‌هزار سال پیش از میلاد آن را اختراع کردند.

این کتاب، چه نوع کتابی است؟

و کتاب بخواند. اینگرید همیشه دانش آموز خوش صحبتی بود و خوب نقاشی می کشید، اما ریاضی اش افتضاح بود. یکی از خوشبختی های آدم این است که می تواند وقتی بزرگ شد، خودش شغلش را انتخاب کند؛ به همین دلیل، اینگرید هم وقتی می خواست میان ریاضی دان شدن و تصویرگری یکی را انتخاب کند، هیچ دردسری نداشت و بدون هیچ تردیدی تصویرگری را انتخاب کرد.

اینگرید نمی تواند از کنار گربه ای رد شود و نوازشش نکند. او هنوز هم از ایستادن روی اسکیپ لذت می برد و روزهای آفتابی همیشه او را شاد و خندان می کنند.

اگر مجبور کرده اند این کتاب را بخوانی، ما کاملاً درکت می کنیم؛ احتمالاً کتاب را هدیه گرفته ای یا معلمت آن را روی میزت گذاشته است؛ شاید هم مجبور نکرده اند و راستی راستی عاشق نوشتن هستی (که خیلی هم عالی!)؛ خلاصه به هر دلیلی این کتاب به دستت رسیده باشد، باید بدانی که یک کتاب داستان معمولی نیست؛ این یک کتاب راهنماست که کمکت می کند بهتر بنویسی، شاید هم شاهکار خلق کردی! ولی مطمئن باش که حداقل می توانی خیلی بهتر از قبل بنویسی.

می خواهی مشق های مدرسه ات را که فردا صبح باید تحویل بدهی، عالی بنویسی؟ دوست داری داستان های هیجان انگیز خلق کنی؟ یا نوشته های قشنگ تری را در وبلاگت بگذاری؟ پیام های «تولد مبارک» را زیباتر بنویسی یا یک کارت تبریک دلگرم کننده برای مامان بزرگ بفرستی؟ (البته این روزها کی دیگر کارت تبریک می فرستد؟! هدف ت هرچه که باشد، بعد از خواندن این کتاب، می توانی هر متنی را بهتر از قبل بنویسی.

آیا اصلاً نوشتن اهمیتی دارد؟ بله! بد نوشتن می تواند عواقب بسیار فاجعه آمیزی داشته باشد. ما هر روز با نوشتن سروکار داریم؛ یادداشت ها، پیغام ها، شکایت نامه ها، ایمیل ها، درخواست های مکتوب و مشق های مدرسه. زبان بد، سالانه میلیون ها



اینکه ما رازهای مگوی نویسنده‌ها را هم در این کتاب فاش کرده‌ایم. نویسنده‌های آثار پرفروش از حالا باید حواسشان جمع باشد، چون از این به بعد تو رقیبشان هستی. شاید هم ما مجبور شویم خودمان را زیر زمین مخفی کنیم، چون دیگر کتاب منتشر شده و ما به خیلی از شگردهای ویژه‌ی آن‌ها چوب حراج زده‌ایم.



گرون! خرج روی دست جامعه می‌گذارد؛ مثلاً نامه‌های نامفهومی که به صندوق وام تحصیلی می‌رسند، تماس‌های تلفنی بسیار زیادی را به بخش خدمات این صندوق تحمیل می‌کنند که این یعنی دست‌کم دو برابر شدن حجم کار. این کتاب پُر از راهکار است و اصول بهترنوشتن را به تو یاد می‌دهد؛ خصوصاً

۱. واحد پول کشورهای سوئد، نروژ، دانمارک، جمهوری چک و ایسلند.

بخش اول

پیش از اینکه یک نویسنده‌ی درجه‌یک شوی...

نویسنده‌های درجه‌یک باید مجهز باشند، نه به لباس فضانوردی و دوربین جاسوسی و نه حتی به یک پیپ (حالا هرچقدر هم که باحال باشند). تجهیزات نویسنده‌ها گران نیست؛ کَفَن هم نیست؛ فقط فقط برای نوشتن استفاده می‌شود؛ بعضی‌ها با مداد و کاغذ راحت‌ترند، بعضی‌ها با کامپیوتر.

وقتی که تجهیزات آماده شد، تنها چیزی که باقی می‌ماند...

... شاید فکر می‌کنی «قدرت نوشتن» است. آفرین! حدس بدی نبود، البته این یک امتیاز است، اما، چیزی مهم‌تر از آن هم وجود دارد.

خلاقیت؟

بله! خلاقیت هم خوب است. داریم نزدیک می‌شویم. در حقیقت مهم‌ترین چیزی که تو به آن نیاز داری:
(صدای ریز کوبیدن بر طبل)

دروغ است.

حتماً عکس‌العملی که نشان می‌دهی این است: «اوه...! عجب!». بله!



انسان نخستین، اولین نویسنده‌ی دنیا

استفن از این فکر بدش نمی‌آید که پدر پدربزرگ پدربزرگ پدربزرگ پدربزرگ پدربزرگ پدربزرگ (می‌دانی منظورم چیست) پدربزرگش درست مثل خود او تنبل بوده است.

زمانی که انسان عصرحجری خمیازه‌کشان از غارش بیرون آمد، با اکراه، نیزه‌ای را روی زمین می‌کشید. آفتاب خیلی تند بود و آدم را کباب می‌کرد، بنابراین او خیلی زود درختی پیدا کرد.

می‌خواست فقط چند دقیقه‌ای زیر سایه‌ی درخت بنشیند، اما وقتی بیدار شد، همه‌جا تاریک و برای شکارکردن خیلی دیر شده بود. او باید دست‌خالی به خانه‌اش برمی‌گشت و در این صورت به احتمال خیلی زیاد از قبیله اخراج می‌شد.

دروغ‌گفتن! این کار را بلدی؟ به‌طور میانگین، ما انسان‌ها روزی هفت بار دروغ می‌گوییم؛ جوان‌ترها حتی بیشتر از این. (به پدر و مادرت در این باره چیزی نگو، خوب نیست این حقیقت را بدانند.)

همان‌طور که میکروآرگانیسم‌ها منشأ اصلی همه‌ی گونه‌های حیات هستند، دروغ هم عنصر اصلی هر داستان درخشان است. دروغ اصلی‌ترین عنصر در فانتزی و شعر است. وقتی داستان می‌خوانی، در واقع حقیقت را نمی‌خوانی. ممکن است داستان بر اساس چیزی که اتفاق افتاده نوشته شده باشد، ولی چیزی از آن کم یا به آن اضافه شده و به یک داستان دروغین تبدیل شده است.

همه‌ی نویسنده‌ها دروغ می‌گویند، خیلی زیاد!



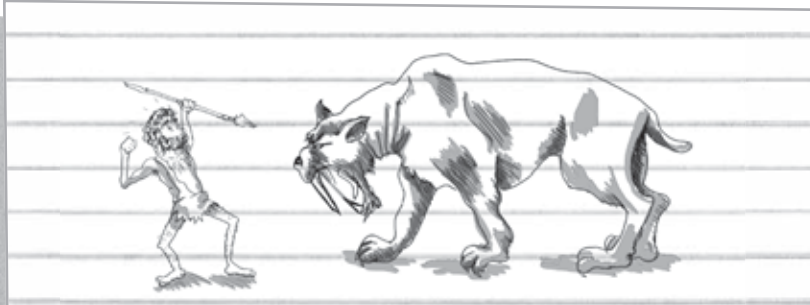
پُربراه نیست اگر بگوئیم که زندگی در عصر حجر واقعاً خیلی خیلی طاقت فرسا بوده است.

انسان عصرحجری باید مدت‌ها فکر می‌کرد تا بتواند راهی برای رهایی از این شرایط دشوار پیدا کند.

بدون قبیله امکان زنده ماندن غیرممکن بود؛ به همین دلیل مجبور بود کاری انقلابی کند؛ خلق اولین داستان دنیا: یک دروغ!

عصر حجر: نَبَر من

بالاخره بعد از یک روز طولانی و خسته‌کننده رد پای شکاری را پیدا کردم. خیلی با احتیاط و آهسته در جنگل دنبالش کردم. قلبم تندتند می‌زد. عرق از سر و رویم می‌ریخت. فقط چند متر آن طرف‌تر، گوزن پرواری ایستاده بود. وقتش بود! با نیزه شکار را نشانه گرفتم...



ناگهان صدای غُرَش خفیفی شنیدم. خیلی نرم به سمت صدا برگشتم... چشمانم به یک ببر دندان‌شمشیری افتاد و درجا خشکم زد. سپس صدای غُرَش دیگری آمد؛ غُرَش ببر دیگری بود که از دشت جلوی جنگل، به طرف من می‌آمد. ببرها داشتند محاصره‌ام می‌کردند. حالا خودم به طعمه تبدیل شده بودم. هراسان دویدم به سمت اولین درخت بلندی که به چشمم خورد. مثل یک سنجاب از درخت بالا رفتم. ببرهای دندان‌شمشیری هم به دنبال من، از تنه‌ی درخت بالا آمدند. نزدیک و نزدیک‌تر. بوی گندیده‌ی دهان گرسنه‌شان از پشت گردنم به مشامم می‌خورد. هرچه بالاتر می‌رفتم، درخت خسیس‌تر و تنه‌اش بی‌شاخ و برگ‌تر و شکننده‌تر می‌شد. شاخه‌ی درخت از سنگینی وزن ما کج شده بود. حیوان‌های وحشی با پنجه‌های تیزشان به من حمله کردند...



دروغ و باورپذیری



نیل گیمن^۱ فبرنگاری را رها کرد، زیرا روزنامه‌ها بیشتر از آنکه فبرها را بازگو کنند، داستان‌پردازی می‌کردند. دقیق‌ترش این است که دروغ می‌گفتند، بدون اینکه هیچ عواقبی بر ایشان داشته باشد. گیمن تصمیم گرفت به جای این کار، خودش داستان‌سرایی کند و در نهایت نویسنده شد.

آیا هر چیزی را که در روزنامه می‌خوانی، باور می‌کنی؟

حتماً شنیده‌ای که بزرگ‌ترها این سؤال را از هم می‌پرسند. پس چرا باید هر چیزی را که در یک داستان اتفاق می‌افتد، باور کنی؟ این دروغ باید در آن جهانی که تو ساخته‌ای منطقی به نظر برسد، نه در واقعیت. هیچ‌کس باور نمی‌کند که هری پاتر یا پینوکیو در دنیای واقعی وجود دارند. این دروغ در داستان تبدیل به حقیقت می‌شود و ما آن را باور می‌کنیم. همه قبول کرده‌اند که ایستگاه قطار کینگزکراس^۲ به مقصد مدرسه‌ی هاگوارتز^۳ بین دو ستون و پشت یک دیوار آجری قرار دارد، زیرا جزئیات داستان و شخصیت‌پردازی‌های دقیق ما را متقاعد می‌کنند، اما قطعاً تو هیچ‌وقت برای امتحان کردن این موضوع، پیشانی‌ات را به دیوار بین دو ستون ایستگاه قطار نمی‌کوبی.

۱. Neil Gaiman (1960): نویسنده‌ی انگلیسی که بسیاری از آثار او به فارسی ترجمه شده است. از جمله آثار او می‌توان به کتاب گورستان، کورالاین، اقیانوس انتهای جاده و خوشبختانه شیر اشاره کرد.
۲. King's Cross: یکی از ایستگاه‌های معروف قطار در لندن است که در سال ۱۸۶۳ تأسیس شد و پس از اینکه در کتاب و فیلم هری پاتر نیز نامش آمد، در تمام جهان شناخته شد.
۳. Hogwarts: مدرسه‌ی علوم و فنون جادوگری که ساخته‌ی ذهن نویسنده‌ی کتاب هری پاتر است.

همه مجذوب داستان شده بودند. انسان عصرحجری در آن روز حتی نزدیک بره‌های دندان‌شمشیری هم نبود، چه برسد به اینکه بخواهد از ترس آن‌ها از درختی بالا برود.

تنها چیزی که در چپته داشت دروغی شسته‌رفته بود که آن را به جا و به موقع رو کرد و مثل نان به تور داغ چسباند.

او بعد از این داستان‌سرایی، قهرمان آن قبیله‌ی عصرحجری شد و به احتمال زیاد با بهترین دختر قبیله هم ازدواج کرد و موقع خواب هم بهترین بالش‌های سنگی نصیبش شد.

دروغ این انسان عصرحجری را می‌توان از اولین افسانه‌های کهن به حساب آورد؛ نمونه‌ای از اولین داستان‌ها.

در طول تاریخ، انسان‌ها همیشه نیازی مبرم به قصه‌گویی داشته‌اند. شاید قصه‌گویی راهی بوده برای توجیه وقایع طبیعی که علشان را نمی‌دانستند؛ مثل مرگ، کم‌شدن تعداد جوراب‌ها بعد از هر شست‌وشو، رعدوبرق یا شاید فقط برای تفریح به سراغ قصه‌گویی می‌رفتند. راوی در افسانه‌های کهن و اولیه، قهرمان داستان است؛ کسی که می‌خواهد بر غول‌ها و دیوها غلبه کند و علیه نیروهای شر بجنگد. معمولاً در طول داستان همه‌چیز به هم می‌ریزد، اما قهرمان داستان در آخرین لحظه موفق می‌شود که بر نیروهای شر پیروز شود.

همین داستان اولیه بعد از هزاران سال، هنوز بارها و بارها در کنار سفره‌ی غذا یا در هالیوود^۱ و بالیوود^۲ با بودجه‌های میلیاردی تعریف می‌شود.

۱. Hollywood: ناحیه‌ای در لس‌آنجلس آمریکا که به مرکز تاریخی استودیوهای فیلم‌سازی و ستارگان سینما و تلویزیون آمریکایی مشهور است.
۲. Bollywood: در حقیقت نام یک شرکت فیلم‌سازی در شهر بمبئی هند است، اما معمولاً به تمام سینمای هند گفته می‌شود.

عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر



اینستاگرام هوپا

hoopa_publication



کانال تلگرام هوپا

<https://t.me/hoopabooks>



سایت هوپا

www.hoopa.ir



باشگاه هوپایی‌ها

<http://t.me/hoopaclub>

